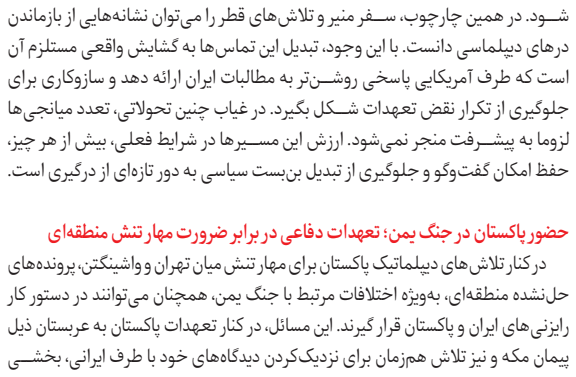

یادداشت

خشایارشا در آتن، روبیو در بن‌بست

شهرام شمالی

کارشناس حوزه بین‌الملل

در هفتم اکتبر ۲۰۲۶، مارکو روبیو، وزیر خارجه ایالات متحده، در تپه پنیکس در آتن، در سایه آکروپولیس، سخنرانی‌ای ایراد کرد که به‌سرعت به یکی از جنجالی‌ترین اظهارات دیپلماتیک سال تبدیل شد. او با استناد به لشکرکشی خشایارشا، پادشاه هخامنشی، به یونان در ۴۸۰ پیش از میلاد و آتش‌زدن آکروپولیس، کوشید تقابل کنونی واشینگتن و تهران را در قالب یک «جنگ تمدنی» ۲۵۰۰ساله بازتعریف کند. روبیو در این سخنرانی، جمهوری اسلامی را «فرقه مرگ» خواند و مدعی شد تهدیدهایی که امروز با آن روبه‌رو هستیم، به همان اندازه که در دوران باستان واقعی بودند، واقعی‌اند. این اظهارات واکنش‌های گسترده‌ای در ایران برانگیخت؛ از مقامات ارشد حکومتی تا تاریخ‌نگاران و کاربران شبکه‌های اجتماعی، تقریبا همگی آن را روایتی تحریف‌شده و سیاسی از تاریخ دانستند که هدفش توجیه‌گری برای ادامه جنگ است. پرسش اصلی این است: چرا وزیر خارجه آمریکا در این برهه حساس، به‌جای پرداختن به مسائل معاصر، به تاریخ باستان پناه برد؟ و ایران چگونه باید به این «جنگ روایت‌ها» پاسخ دهد؟ تحلیلگران چند لایه برای این انتخاب روبیو برشمرده‌اند.

نخست، زمینه دیپلماتیک و اقتصادی: روبیو در سفر خود به آتن، قراردادهای تسلیحاتی میلیاردی با یونان امضا کرد، از جمله فروش جنگنده‌های F-35 و سیستم‌های دفاعی پیشرفته. یونان به عنوان خریدار سنتی تسلیحات آمریکایی و متحد کلیدی ناتو، برای واشینگتن اهمیت استراتژیک دارد. سخنرانی در آکروپولیس و یادآوری «دشمن مشترک باستانی»، پارس، می‌توانست فضای روانی لازم برای توجیه این همکاری نظامی و تقویت اتحاد را فراهم کند. روبیو یونان را «منبع ثبات در جهانی بی‌ثبات» خواند و بر نقش آن به عنوان «متحد ضروری ناتو» تأکید کرد.

دوم، تغییر استراتژی روایی واشینگتن: پس از هفت ماه جنگ و ناکامی در دستیابی به اهداف اولیه اعلام‌شده، واشینگتن روایت خود را از «مبارزه با تروریسم» به «دفاع از تمدن غرب» تغییر داده است. انتقال به گفتمان تمدنی، هم فرسودگی روایت جنگی اولیه را نشان می‌دهد و هم وزن سنگین‌تر نومحافظه‌کاران در اطراف کاخ سفید را. روبیو در سخنرانی خود، آمریکا را وارث «امپراتوری قاره‌ای» خواند و از «تعقیب بی‌اعتذار قدرت ملی» تمجید کرد.

سوم، جلب حمایت اروپا: روبیو صریحا از کشورهای اروپایی خواست به «ارزش‌های یونان باستان» بازگردند و در برابر آنچه «افول تمدن غرب» می‌خواند، متحد شوند. او با برجسته‌کردن تهدید مشترک، ایران، کوشید شکاف‌های فراآتلانتیک را التیام بخشد و اروپا را به همراهی در سیاست‌های خصمانه واشینگتن، ترغیب کند.

روبیو در سخنرانی خود، سپاهیان خشایارشا را «متجاوز» و «مهاجم به مدنیت غربی» خواند و از مقاومت «مشت گروهی از آتنی‌ها» در آکروپولیس تمجید کرد؛ اما تاریخ‌نگاران این روایت را به‌شدت ناقص و گزینشی می‌دانند. تورج دریایی، ایران‌شناس برجسته، یادآور می‌شود آتش‌زدن آتن در خلأ تاریخی رخ نداد: در ۴۹۸ پیش از میلاد، در جریان شورش ایونی، شورشیان مورد حمایت آتن و ارتریا، ساردیس، مرکز ساتراپی پارس در لیدیه را به آتش کشیدند و بخش مهمی از شهر را ویران کردند. به بیان دیگر، حمله خشایارشا، دست‌کم تا حدی، پاسخی به یک اقدام پیشین بود، نه تجاوزی بی‌دلیل. پاسخ ایران به این سخنرانی باید فراتر از واکنش‌های تدافعی و یادآوری شکست‌های تاریخی باشد. این پاسخ می‌تواند در سه سطح طراحی شود:

سطح اول: روایت‌سازی تاریخی معکوس. ایران باید به‌جای انکار یا تحقیر تاریخ باستان، آن را به مثابه منبع قدرت و مشروعیت بازخوانی کند. امپراتوری هخامنشی، با منشور کوروش به عنوان نخستین اعلامیه حقوق بشر، نظام اداری پیشرفته و تساهل مذهبی، یکی از درخشان‌ترین تمدن‌های تاریخ بشر بوده است. روبیو خود ناخواسته به این قدرت اعتراف کرد: او سپاهیان خشایارشا را «بزرگ‌ترین امپراتوری آن عصر» خواند. این اعتراف باید برجسته شود: دشمنی آمریکا با ایران، دشمنی با یک «دولت» یا «رژیم» نیست، دشمنی با یک تمدن ریشه‌دار است که همواره در برابر هژمونی‌های خارجی ایستاده است.

سطح دوم: افشای تناقض‌های روایت غربی. ایران می‌تواند به‌جای دفاع تدافعی، به تهاجم روایی دست بزند. تمدن غربی که روبیو از آن سخن می‌گوید، همان تمدنی است که استعمار، برده‌داری، نسل‌کشی بومیان آمریکا و دو جنگ جهانی را تولید کرد. دکتر ولایتی به‌درستی پرسید: «کسانی که فجایع هیروشیما، ویتنام، عراق و افغانستان را رقم زدند، حق ندارند درس اخلاق بدهند». ایران می‌تواند این پرسش را جهانی کند: آیا تمدنی که با بمباران اتمی و اشغال نظامی، «ارزش‌های یونان باستان» را صادر می‌کند، صلاحیت دفاع از «تمدن» را دارد؟

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
شماره فراخوان: ۲۰۰۵۰۰۱۱۰۵۰۰۰۲۳۸
نوبت اول
شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران
شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران
الف) مشخصات مناقصه
۱ – مناقصه‌گزار
< نام: شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران – مدیریت تدارکات و عملیات کالا
< نشانی: تهران – خیابان طالقانی – خیابان شهید سپهبد قرنی – شماره ۱۸۸
۲ – موضوع مناقصه: خرید ۲۸ قلم قطعات پیگ – تقاضای ZPS-0440071-TR/A03
۳ – مبلغ برآورد اولیه: ۱۴۰/۱۶۸/۵۰۰/۰۰۰ ریال
۴ – محل اجرای کار/تحویل کالا: انبار عملیات کالای شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران واقع در تهران
۵ – مدت اجرای کار/تحویل کالا: ۳ ماه
ب) شرایط الزامی برای شرکت در مناقصه
۱ – روش ارزیابی مالی: براساس دستورالعمل ارزیابی مالی و تعیین کمترین قیمت متناسب در مناقصات وزارت نفت به شماره ۱۵۰-۲۰/۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱.
۲ – خودداری از انعقاد قرارداد مازاد بر مبلغ ده برابر نصاب معاملات بزرگ با برنده مناقصه فاقد صورت‌های مالی حسابرسی شده و مشمول آیین‌نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی.
۳ – صرفاً پذیرش پیشنهاد سازندگان/تولیدکنندگان داخلی و نیز تامین‌کنندگان داخلی از سازندگان/تولیدکنندگان داخلی مندرج در فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرکزی (AVL وزارت نفت) در زمینه/های قطعات پیگ و رد سایر پیشنهادها.
۴ – لزوم بارگذاری تصویر وضعیت ثبت نام در AVL وزارت نفت و نامه نمایندگی معتبر (تامین کنندگان داخلی) در پاکت "ب" در سامانه ستاد.
پ) مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار
۱ – مبلغ تضمین: ۷/۰۰۸/۴۲۵/۰۰۰ ریال
۲ – نوع تضمین: بارگذاری یک یا ترکیبی از تضمین‌های موضوع ماده ۴ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی در سامانه ستاد.
< واریز وجه نقد به شماره شبا IR ۳۶۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۴۶۸۳۸۱۶۲۸۰۱ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و اخذ رسید واریز وجه از امور مالی مناقصه‌گزار و بارگذاری رسید وجه در سامانه ستاد.
< تحویل پاکت اصل تضمین به صورت دربسته با درج مشخصات به دفتر کمیسیون مناقصات مناقصه‌گزار و دریافت رسید (گشایش نشدن پیشنهادها در صورت عدم تحویل پاکت در مهلت ارائه پیشنهادها).
< عدم پذیرش ضمانت‌نامه‌های صادره از بانک پاسارگاد و گردشگری.
ت) مهلت دریافت اسناد مناقصه و مهلت، زمان و محل ارائه و گشایش پیشنهادها
۱ – مهلت دریافت اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۲ از طریق سامانه ستاد.
۲ – مهلت ارائه پیشنهادها (الف، ب و ج): تا ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۱ از طریق سامانه ستاد.
۳ – زمان و محل گشایش پیشنهادها: در ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ از طریق سامانه ستاد و در محل کمیسیون مناقصات مناقصه‌گزار به نشانی: تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، نبش کوچه نوید، شماره ۱۸۸، شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران، طبقه هشتم.
ث) توضیحات
< لزوم درج نشانی، تلفن تماس و نمابر محل اقامت مناقصه‌گران در سامانه ستاد برای ارسال دعوتنامه و یا هرگونه اطلاع‌رسانی از جمله مواعد و مهلت‌های مناقصه.
< برای کسب اطلاعات بیشتر تماس با تلفن ۶۱۶۳۰۴۳۹-۶۱۶۳۰۴۴۱-۶۱۶۳۰۱۷۸
www.shana.ir www.setadiran.ir www.ioptc.ir
روابط عمومی
شناسه آگهی ۲۳۰۶۱۹۰

پایتخت در کانون رایزنی‌های منطقه‌ای؛ بررسی اهداف سفر عاصم منیر هم‌زمان با حضور وزیر خارجه روسیه

مأموریت دشوار در تهران

موسی موحد: ورود فیلد مارشال سید عاصم منیر، فرمانده ارتش و رئیس نیروهای دفاعی پاکستان، به تهران در فاصله‌ای کمتر از ۲۴ ساعت پس از دیدار سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، با مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی ایران، در مقطعی انجام می‌شود که مسیرهای دیپلماتیک برای مهار تنش و جلوگیری از گسترش دوباره درگیری‌ها اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند. این هم‌زمانی به‌خودی‌خود نشانه وجود یک ابتکار مشترک یا هماهنگی از پیش طراحی‌شده میان مسکو و اسلام‌آباد نیست، اما فرصتی فراهم می‌کند تا جایگاه دو مسیر متفاوت در معادلات جاری بررسی شود. پاکستان در ماه‌های گذشته، بنا بر اظهارات مقام‌های این کشور و گزارش‌های منتشرشده، در تماس با تهران و واشینگتن بوده و همراه قطر برای انتقال پیام‌ها و کاهش اختلافات تلاش کرده است. در سوی دیگر، روسیه ضمن محکوم‌کردن حملات آمریکا و اسرائیل به ایران، بر ضرورت حل‌وفصل سیاسی بحران و گسترش همکاری‌های راهبردی با تهران تأکید دارد. اهمیت تحرکات اخیر در آن است که دیپلماسی منطقه‌ای دیگر صرفا به برگزاری یک نشست یا انتقال یک پیام محدود نمی‌شود. در شرایطی که تهران پاسخ آمریکا به پیشنهاد هفت‌روزه ایران را ناکافی و ناقص ارزیابی کرده و رفع محاصره دریایی و توقف جنگ در همه جبهه‌ها را از مطالبات اصلی خود می‌داند، پرسش مهم این است که تماس‌های پاکستان و قطر می‌توانند زمینه‌ای برای عبور از بن‌بست فراهم کنند و آیا رایزنی‌های ایران و روسیه نیز به تقویت فضای سیاسی لازم برای کاهش تنش کمک خواهد کرد؟ آنچه فعلا می‌توان با اتکا بر مواضع اعلام‌شده گفت، استمرار چند مسیر دیپلماتیک در کنار تأکید تهران بر شروط خود است، نه قطعی‌بودن گشایش یا شکل‌گیری توافقی میان میانجی‌ها.

اسلام‌آباد در میانه بن‌بست تهران و واشینگتن؛ از انتقال پیام تا تلاش برای گشایش

سفر عاصم منیر به تهران را باید در چارچوب تلاش‌های چندماهه پاکستان برای حفظ مسیر ارتباطی میان ایران و آمریکا بررسی کرد. اسلام‌آباد در مقاطع مختلف کوشیده است با برقراری تماس با دو طرف، از گسترش درگیری جلوگیری کند و زمینه را برای بازگشت به مذاکرات فراهم آورد. اظهارات اخیر احمد شریف چودری، سخنگوی ارتش پاکستان نیز نشان می‌دهد این رویکرد همچنان در دستور کار مقام‌های سیاسی و نظامی این کشور قرار دارد. او با اشاره به تداوم ارتباطات اسلام‌آباد با تهران و دیگر بازیگران منطقه‌ای، گفته است گسترش درگیری‌های نظامی در غرب آسیا به سود هیچ‌یک از طرف‌ها نیست و راهکار کاهش تنش را باید در دیپلماسی و مذاکره جست‌وجو کرد. اهمیت این موضع‌گیری در آن است که پاکستان صرفا از ضرورت کلی صلح سخن نمی‌گوید، بلکه بر حفظ کانال‌های ارتباطی و ادامه تعامل با طرف‌های درگیر تأکید دارد. به گفته سخنگوی ارتش پاکستان، تماس‌های سیاسی و دیپلماتیک این کشور با ایران طی ماه‌های گذشته ادامه داشته و محور آنها خویشتن‌داری و جلوگیری از تشدید درگیری بوده است. او همچنین هشدار داده که چرخه تکرارشونده افزایش و کاهش تنش می‌تواند ثبات منطقه را تضعیف کرده و تلاش‌ها برای دستیابی به صلح پایدار را از مسیر خارج کند.

این مواضع با شرایط کنونی مذاکرات تهران و واشینگتن ارتباطی مستقیم دارد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، دیروز، سه‌شنبه ۲۸ مهر، اعلام کرد پیامی که از طرف آمریکایی در پاسخ به طرح هفت‌روزه ایران دریافت شده، ناکافی و ناقص بوده است. او در عین حال تأکید کرد که تهران مواضع و مطالبات خود را روشن کرده و بر همان مبنا حرکت می‌کند. از نگاه ایران، رفع محاصره دریایی و توقف جنگ در همه جبهه‌ها، مطالباتی مشروع و منطقی است و تصمیم‌گیری درباره آنها بر عهده طرف آمریکایی قرار دارد. در چنین وضعیتی، مأموریت دیپلماتیک پاکستان را نمی‌توان صرفا با احتمال برگزاری دور دیگری از مذاکرات سنجید. یکی از کارکردهای مهم میانجیگری، جلوگیری از قطع کامل ارتباط در شرایطی است که اختلاف‌ها همچنان پابرجا هستند و طرفین نسبت به نیت و تعهدات یکدیگر تردید دارند. اسلام‌آباد می‌کوشد این امکان را حفظ کند که پیام‌ها منتقل شوند، مواضع طرفین روشن بماند و در صورت فراهم‌شدن شرایط سیاسی، مسیر مذاکره دوباره فعال شود. با این حال، استمرار ارتباطات به معنای نزدیک‌بودن توافق نیست. خود مقام‌های پاکستانی نیز از دشواری گفت‌وگوها سخن گفته‌اند. محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان، در مجمع امنیت جهانی دوحه تأکید کرده است که صلح در یک نشست به دست نمی‌آید و به صبر، اعتماد و تلاش مستمر نیاز دارد. بنابراین، سفر منیر در درجه نخست نشانه ادامه تحرک دیپلماتیک در شرایط بن‌بست است؛ اینکه این تحرک به نتیجه ملموسی منتهی شود، به پاسخ واشینگتن به مطالبات تهران و میزان آمادگی دو طرف برای ورود به گفت‌وگوهایی مؤثر بستگی دارد.

نقش عاصم منیر و جایگاه میانجیگری پاکستان در معادلات منطقه‌ای

از همان آغاز ورود پاکستان به عرصه میانجیگری میان تهران و واشینگتن، نام عاصم منیر در کانون توجهات قرار گرفت. او که پیش‌تر عمدتا به‌عنوان چهره‌ای نظامی و امنیتی شناخته می‌شد، اکنون در مقام فرمانده ارتش پاکستان، وجهی سیاسی و دیپلماتیک نیز از نقش‌آفرینی خود به نمایش گذاشته است و می‌کوشد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اسلام‌آباد، فاصله دیدگاه‌های ایران و آمریکا را کاهش دهد و مسیر تفاهم را هموار کند و به همین واسطه بود که نقش منیر در تلاش‌های پیشین برای کاهش تنش نیز در اظهارات مقام‌های پاکستانی بازتاب یافته است؛ همچنان که محسن نقوی در دوحه گفته شخصا همراه فرمانده نیروهای دفاعی پاکستان در تلاش‌های صلح مشارکت داشته و در سفر به تهران و دیدار با مقام‌های ایرانی، دشواری گفت‌وگوها را از نزدیک مشاهده کرده است. او به تجربه لحظاتی اشاره کرده که وضعیت بسیار پرتنش شده بود، اما طرف پاکستانی تلاش کرده است با ادامه گفت‌وگو، شنیدن دیدگاه‌ها و اعتمادسازی، از تشدید بیشتر اوضاع جلوگیری کند. این روایت از یک سو نشان‌دهنده اهمیت تماس‌های مستقیم است و از سوی دیگر، محدودیت‌های میانجیگری را آشکار می‌کند. پاکستان می‌تواند پیام‌ها را منتقل و زمینه تماس را حفظ کند، اما نمی‌تواند به جای تهران و واشینگتن درباره شروط توافق تصمیم بگیرد. موفقیت این کشور در نقش میانجی، به میزان نفوذ آن بر طرفین و آمادگی آنها برای پذیرش راه‌حل‌های عملی بستگی دارد. در نتیجه، سفر منیر را باید در چارچوب تلاشی برای حفظ امکان دیپلماسی ارزیابی کرد، نه دلیلی قطعی بر حصول توافق یا حل‌شدن اختلاف‌ها.

قطر در کنار پاکستان؛ نشانه‌های هم‌افزایی و مرزهای گمانه‌زنی

یکی از نکات شایان توجه، تأکید هم‌زمان بر نقش پاکستان و قطر در انتقال پیام‌ها میان تهران و واشینگتن است. گزارش‌های منتشرشده حاکی از آن است که پس از توقف روند اجرای تفاهم اسلام‌آباد، تبادل پیام از طریق میانجی‌های پاکستانی و قطری ادامه داشته است. همچنین منابع مسئول و آگاه که روز دوشنبه با روزنامه العربی الجدید گفت‌وگو کرده‌اند، از احتمال حصول گشایشی در تلاش‌های میانجیگری قطر و پاکستان طی همین هفته خبر داده‌اند. این ارزیابی، به دلیل اتکا بر منابعی که نامشان منتشر نشده و نبود جزئیات روشن درباره ماهیت گشایش احتمالی، باید در حد یک گزارش رسانه‌ای و نه نشانه قطعی از توافق قریب‌الوقوع تلقی شود.

با این حال، هم‌زمانی تحرکات پاکستان و قطر نشان می‌دهد مسیر میانجیگری دست‌کم در سطح انتقال پیام و تلاش برای کاهش تنش متوقف نشده است. بقایی نیز گفته که تهران پیشنهادهای خود را با حسن نیت و از طریق میانجی قطری به طرف آمریکایی منعکس کرده است. او تأکید کرده پاسخ دریافتی از واشینگتن کافی نبوده و مواضع ایران بر پایه مطالبات اعلام‌شده ادامه خواهد یافت. این توضیحات سخنگوی دستگاه دیپلماسی نشان می‌دهد کانال قطر در انتقال دیدگاه‌های تهران نقش داشته، در حالی که پاکستان نیز بنا بر اظهارات مقام‌های خود همچنان با هر دو طرف در ارتباط است. از این منظر، می‌توان از احتمال نوعی تقسیم کار یا هم‌افزایی میان میانجی‌ها سخن گفت، اما نباید این برداشت را به‌عنوان واقعیتی اثبات‌شده مطرح کرد. اطلاعات موجود نشان نمی‌دهد که پاکستان و قطر چارچوبی مشترک و رسمی با تقسیم وظایف مشخص تعریف کرده‌اند یا سفر منیر به تهران به‌طور مستقیم در هماهنگی با رایزنی‌های لاوروف انجام شده است. آنچه مستند است، ادامه فعالیت هر دو کشور در مسیر کاهش تنش و حفظ ارتباط میان طرف‌های درگیر است؛ اینکه این فعالیت‌ها به ابتکاری هماهنگ تبدیل شده‌اند یا خیر، به شواهد بیشتری نیاز دارد.

تجربه تلاش‌های پیشین پاکستان نیز اهمیت این تمایز را روشن می‌کند. نقوی به مذاکرات اسلام‌آباد، تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و مذاکرات بورگن‌اشتاک در سوئیس به‌عنوان اقداماتی اشاره کرده که با هدف کمک به صلح میان ایران و آمریکا انجام شده‌اند. او گفته که در مقاطعی خطر تشدید تنش افزایش یافته، اما اسلام‌آباد از ادامه تلاش‌ها دست نکشیده است. در عین حال، گزارش‌های موجود از توقف اجرای تفاهم اسلام‌آباد و از بین رفتن فرصت زمانی پیش‌بینی‌شده برای مذاکرات گسترده‌تر، ازجمله درباره موضوع هسته‌ای ایران، حکایت دارند. این سابقه روشن می‌کند که میانجیگری می‌تواند امکان گفت‌وگو را فراهم کند، اما تداوم آن به اجرای تعهدات و وجود حداقلی از اعتماد وابسته است. اگر طرفین درباره اقدام‌های اولیه و شروط اصلی اختلاف داشته باشند، انتقال پیام به‌تنهایی برای بازسازی روند مذاکرات کافی نخواهد بود. از نگاه تهران، رفع محاصره دریایی و توقف جنگ در همه جبهه‌ها، مطالباتی اساسی هستند. بنابراین، هر ابتکار تازه‌ای برای کاهش تنش ناگزیر باید با این مواضع و با ارزیابی ایران از تعهدات طرف مقابل روبه‌رو شود. در همین چارچوب، سفر منیر و تلاش‌های قطر را می‌توان نشانه‌هایی از بازماندن درهای دیپلماسی دانست. با این وجود، تبدیل این تماس‌ها به گشایش واقعی مستلزم آن است که طرف آمریکایی پاسخی روشن‌تر به مطالبات ایران ارائه دهد و سازوکاری برای جلوگیری از تکرار نقض تعهدات شکل بگیرد. در غیاب چنین تحولاتی، تعدد میانجی‌ها لزوما به پیشرفت منجر نمی‌شود. ارزش این مسیرها در شرایط فعلی، بیش از هر چیز، حفظ امکان گفت‌وگو و جلوگیری از تبدیل بن‌بست سیاسی به دور تازه‌ای از درگیری است.

حضور پاکستان در جنگ یمن؛ تعهدات دفاعی در برابر ضرورت مهار تنش منطقه‌ای

در کنار تلاش‌های دیپلماتیک پاکستان برای مهار تنش میان تهران و واشینگتن، پرونده‌های حل‌نشده منطقه‌ای، به‌ویژه اختلافات مرتبط با جنگ یمن، همچنان می‌توانند در دستور کار رایزنی‌های ایران و پاکستان قرار گیرند. این مسائل، در کنار تعهدات پاکستان به عربستان ذیل پیمان مکه و نیز تلاش هم‌زمان برای نزدیک‌کردن دیدگاه‌های خود با طرف ایرانی، بخشی از پیچیدگی‌های روابط تهران و اسلام‌آباد را شکل می‌دهند. در این زمینه، اظهارات احمد شریف چودری، سخنگوی ارتش پاکستان، درباره حمایت اسلام‌آباد از عربستان سعودی در رویارویی با ارتش یمن، بُعد دیگری از موقعیت منطقه‌ای پاکستان را آشکار می‌کند. او با تأکید بر تعهد پاکستان به حاکمیت و تمامیت ارضی عربستان و امنیت اماکن مقدس این کشور، گفته است اسلام‌آباد در چارچوب تعهدات دفاعی موجود خود، پشتیبانی لازم را ارائه می‌کند. چودری با اشاره به ملاحظات محرمانگی نظامی، از بیان جزئیات عملیاتی خودداری کرده، اما آمادگی پاکستان برای استفاده از توانمندی‌های موجود در راستای انجام تعهداتش را مورد تأکید قرار داده است. سخنگوی ارتش پاکستان همچنین توافق دفاع مشترک مکه میان پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه را سازوکاری دفاعی و مبتنی بر بازدارندگی جمعی توصیف کرده است. به گفته او، این چارچوب علیه کشور خاصی جهت‌گیری نشده و هدف آن بازدارندگی در برابر تجاوز و تقویت امنیت جمعی است. او در عین حال هشدار داده که گسترش رویارویی نظامی می‌تواند منافع منطقه را آسیب‌پذیرتر کرده و تلاش‌ها برای دستیابی به راه‌حل‌های مذاکره‌شده را پیچیده کند.

این مواضع در شرایطی مطرح می‌شود که پاکستان هم‌زمان بر ضرورت کاهش تنش میان ایران و آمریکا و حفظ کانال‌های ارتباطی با تهران تأکید دارد. از این رو، اسلام‌آباد با دو ملاحظه منطقه‌ای روبه‌روست؛ از یک طرف بر تعهدات دفاعی خود در قبال عربستان تأکید می‌کند و از طرف دیگر، ادامه درگیری‌ها را به زیان ثبات منطقه می‌داند. با این حال، اطلاعات بسته خبری جزئیات عملیاتی حضور پاکستان در جنگ یمن یا دامنه دقیق حمایت نظامی آن را روشن نمی‌کند. بنابراین، نمی‌توان فراتر از اظهارات رسمی سخنگوی ارتش، درباره شکل و میزان مشارکت پاکستان داوری قطعی کرد. آنچه روشن است، تلاش اسلام‌آباد برای جمع میان تعهدات دفاعی منطقه‌ای و حفظ نقش دیپلماتیک خود در کاهش تنش‌هاست؛ نقشی که میزان موفقیت آن به تحولات میدانی و نحوه مدیریت اختلافات میان بازیگران منطقه‌ای بستگی خواهد داشت.

مشکلات مرزی ایران و پاکستان؛ مسئله‌ای دوجانبه در کنار نقش‌آفرینی منطقه‌ای اسلام‌آباد

در کنار ملاحظات مربوط به میانجیگری میان تهران و واشینگتن و معادلات پیچیده جنگ یمن، مناسبات دوجانبه ایران و پاکستان، به‌ویژه مسائل مرزی نیز می‌تواند در شمار محورهای مهم سفر عاصم منیر به تهران قرار گیرد؛ خاصه آنکه در روزهای اخیر، چالش‌های مرتبط با تردد کامیون‌داران در گذرگاه‌های مرزی ایران و پاکستان نیز به یکی از مسائل مورد توجه در مناسبات دو کشور تبدیل شده است؛ موضوعی که در کنار ابعاد اقتصادی و تجاری، با مدیریت مرزها و تسهیل مبادلات دوجانبه پیوند دارد و می‌تواند در رایزنی‌های تهران و اسلام‌آباد مورد بررسی قرار گیرد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، در توضیح علت تداوم توقف تردد در گذرگاه‌های مرزی ایران و پاکستان، از وجود برخی مسائل فنی و تلاش طرف پاکستانی برای رفع آنها خبر داد و تأکید کرد تهران از قضاوت درباره انگیزه‌های اسلام‌آباد پرهیز می‌کند. به گفته او، صادرات از سمت ایران ادامه دارد، اما تردد از سوی مقابل متوقف شده است. بقایی در عین حال روابط ایران و پاکستان را دوستانه و در یکی از مقاطع مهم خود توصیف کرد و گفت هر دو کشور برای حفظ و گسترش مناسبات دوجانبه مصمم هستند. او با اشاره به سابقه روابط دو کشور و توسعه همکاری‌های سیاسی، مردمی و تجاری در سال‌های اخیر، تأکید کرد موضوع مرزها از طریق گفت‌وگو قابل حل است. به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه، این مسئله در تماس‌های تلفنی روزهای اخیر نیز مطرح شده و در صورت انجام سفر مقام‌های دو کشور، می‌تواند در اولویت مذاکرات قرار گیرد.

اهمیت این موضوع در آن است که روابط تهران و اسلام‌آباد هم‌زمان دو سطح متمایز دارد؛ از یک سو، پاکستان برای حفظ نقش میانجیگرانه خود در بحران منطقه‌ای به ارتباط مستمر و اعتماد متقابل با ایران نیاز دارد و از سوی دیگر، مسائل اجرایی مرزها همچنان نیازمند رسیدگی و توافق دوجانبه است. بنابراین، حل مشکلات مرزی می‌تواند به تقویت مناسبات دو کشور کمک کند، هرچند بر اساس اطلاعات موجود، علت توقف تردد به مسائل فنی نسبت داده شده و نمی‌توان انگیزه سیاسی مشخصی را به آن منتسب کرد.

ادامه سفر لاوروف و پیام مسکو، حمایت سیاسی در کنار تأکید بر راه‌حل دیپلماتیک

همان‌گونه که در ابتدای گزارش اشاره شد، یکی از مهم‌ترین ابعاد سفر عاصم منیر به تهران، هم‌زمانی آن با حضور سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در ایران است و این هم‌زمانی می‌تواند زمینه طرح و تبادل نظر درباره تحولات منطقه‌ای، تلاش‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش و معادلات امنیتی پیرامون ایران را در چند سطح متفاوت فراهم کند. وزیر امور خارجه روسیه در دیدار با عباس عراقچی، همتای ایرانی خود، درباره طیفی از مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو کرد. عراقچی این مذاکرات را مهم، فشرده و ثمربخش توصیف کرد و گفت روابط راهبردی دو کشور و توافق مشارکت جامع راهبردی، زمینه گسترش مناسبات را فراهم کرده است. به گفته او، راه‌های عملی توسعه همکاری‌های اقتصادی، تجاری، سیاسی و فرهنگی در این دیدار بررسی شده‌اند و همکاری‌های اقتصادی دو کشور روند مناسبی دارد. با این حال، بخش مهمی از مذاکرات به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی اختصاص داشت. موضوعات خلیج فارس، غرب آسیا، قفقاز، اروپا، گفت‌وگوهای ایران و آمریکا و جنگ اوکراین از جمله محورهای مطرح‌شده بودند. عراقچی با اشاره به دیدگاه مشترک ایران، روسیه و شماری از کشورهای دیگر گفت مسائل منطقه راه‌حل نظامی ندارند و باید از مسیرهای سیاسی و دیپلماتیک پیگیری شوند. این موضع با تأکید مسکو بر ضرورت بازگشت به دیپلماسی برای دستیابی به ثبات پایدار هم‌راستاست. لاوروف نیز حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران را محکوم کرد و آنها را فاقد توجیه دانست. او اعلام کرد روسیه آماده است برای یافتن راه‌حل بحران کمک کند و بر ضرورت احیای صلح و ثبات بلندمدت، بازگشت وضعیت خلیج فارس و تنگه هرمز به شرایط پیش از بحران و تضمین جلوگیری از تکرار تجاوز تأکید کرد. وزیر خارجه روسیه همچنین از تلاش‌های میانجیگران قدردانی کرد. این موضع‌گیری نشان می‌دهد مسکو از ادامه تلاش‌های سیاسی برای کاهش تنش حمایت می‌کند، هرچند جزئیات مشخصی درباره ابتکار عملی روسیه برای پیشبرد مذاکرات در اطلاعات منتشرشده ارائه نشده است.

دیدار لاوروف با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران، نیز در همین چارچوب انجام شد. طرفین درباره مناسبات دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو کردند و راهکارهای تقویت همکاری‌های مشترک را مورد بررسی قرار دادند. در دیدار وزیر خارجه روسیه با محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، نیز بر اهمیت همکاری‌های راهبردی دو کشور برای تحکیم ثبات و تضمین امنیت منطقه‌ای تأکید شد. رضایی همکاری‌های درون‌منطقه‌ای و پروژه‌های مشترک اقتصادی، از جمله تکمیل کریدورهای راهبردی را دارای آثار ثبات‌ساز دانست. لاوروف در این دیدار بر حمایت روسیه از ابتکارها و منافع ایران در مجامع بین‌المللی، از جمله شورای امنیت سازمان ملل و شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید و حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، از جمله بمباران تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت آژانس، را به‌شدت محکوم کرد. این مواضع از استمرار پشتیبانی سیاسی مسکو از تهران حکایت دارد. در عین حال، باید میان حمایت سیاسی و تعهد به اقدام مشخص در یک بحران تفاوت گذاشت. اظهارات منتشرشده از لاوروف بر محکومیت حملات، پشتیبانی از منافع ایران در مجامع بین‌المللی و ضرورت راه‌حل دیپلماتیک دلالت دارد، اما به‌تنهایی برای نتیجه‌گیری درباره شکل یا دامنه اقدامات عملی روسیه کافی نیست.

همین ملاحظه در ارتباط با موضوع هسته‌ای نیز اهمیت دارد. بقایی در نشست خبری روز سه‌شنبه گفت موضوع غنی‌سازی به عنوان محور مستقلی در دیدار وزیران خارجه ایران و روسیه مطرح نشده است، هرچند مسائل هسته‌ای در جریان بحث‌های گسترده‌تر مورد گفت‌وگو قرار گرفته‌اند. او تأکید کرد سفر لاوروف از مدت‌ها قبل در دستور کار بوده و در چارچوب رایزنی‌های مستمر دو کشور انجام شده است. به گفته سخنگوی وزارت خارجه، ایران از رویکرد مثبت و سازنده روسیه در زمینه کاهش تنش قدردانی کرده، اما از مواضع اصولی خود عدول نکرده است. بنابراین، سفر لاوروف را نمی‌توان صرفا سفری با هدف میانجیگری میان ایران و آمریکا دانست. دستور کار اعلام‌شده، مجموعه‌ای از همکاری‌های دوجانبه و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی را دربرمی‌گیرد. در عین حال، بحران جاری و ضرورت جلوگیری از بازگشت درگیری‌ها، بخشی مهم از فضای این رایزنی‌ها بوده است. نتیجه قابل اتکا از مواضع اعلام‌شده، توافق دو طرف بر اهمیت دیپلماسی و استمرار همکاری راهبردی است، نه وجود توافقی پنهان یا ابتکاری مشخص برای حل اختلاف تهران و واشینگتن.

هم‌زمانی دو سفر و چشم‌انداز دیپلماسی چندمسیره

قرارگرفتن سفر لاوروف و ورود عاصم منیر به تهران در فاصله‌ای کمتر از یک روز، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا چند مسیر دیپلماتیک در حال تقویت یکدیگر هستند یا صرفا در یک مقطع زمانی مشترک به تهران رسیده‌اند؟ پاسخ قطعی به این پرسش، با اطلاعات فعلی ممکن نیست. در گزارش‌های مربوط به دو سفر، نشانه‌ای روشن از هماهنگی مستقیم میان مسکو و اسلام‌آباد برای پیشبرد یک طرح واحد ارائه نشده است. با این حال، موضوعات مورد توجه دو طرف در بخش‌هایی هم‌پوشانی دارند. هر دو کشور بر ضرورت جلوگیری از تشدید تنش تأکید کرده‌اند و هر دو از اهمیت گفت‌وگوهای سیاسی برای عبور از بحران سخن گفته‌اند. تفاوت نقش آنها نیز قابل توجه است. پاکستان به دلیل تماس‌های خود با تهران و واشینگتن، در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند در انتقال پیام‌ها و حفظ کانال مذاکره نقش مستقیم‌تری ایفا کند. قطر نیز در همین مسیر، بنا بر اظهارات رسمی ایران، پیام‌های تهران را به طرف آمریکایی منتقل کرده است. روسیه در مقابل، ضمن روابط راهبردی با ایران و اعلام حمایت سیاسی از مواضع تهران در مجامع بین‌المللی، بر ضرورت کاهش تنش و حل سیاسی بحران تأکید می‌کند. این تفاوت‌ها به‌خودی‌خود مانع هم‌افزایی نیستند، اما برای اثبات شکل‌گیری یک سازوکار مشترک کافی هم نیستند.

در واقع، آنچه اکنون در برابر تهران قرار دارد، مجموعه‌ای از مسیرهای دیپلماتیک با ظرفیت‌ها و محدودیت‌های متفاوت است. کانال پاکستان و قطر می‌تواند برای تبادل پیام و تلاش برای نزدیک‌کردن مواضع دو طرف اهمیت داشته باشد. رایزنی‌های ایران و روسیه نیز می‌تواند به تقویت هماهنگی سیاسی و منطقه‌ای کمک کند. اما هیچ‌یک از این مسیرها جایگزین تصمیم‌گیری واشینگتن درباره مطالبات ایران یا تصمیم تهران درباره ارزیابی پاسخ طرف مقابل نیست؛ چنان‌که بقایی تأکید کرده، پاسخ آمریکا به پیشنهاد هفت‌روزه از نظر ایران ناکافی بوده و تهران همچنان بر مطالبات خود، از جمله رفع محاصره دریایی و توقف جنگ در همه جبهه‌ها، پافشاری می‌کند. یک عامل تعیین‌کننده دیگر، بی‌اعتمادی ناشی از توقف اجرای تفاهم اسلام‌آباد است. گزارش‌های موجود می‌گویند این تفاهم فرصتی برای مذاکرات گسترده‌تر فراهم می‌کرد، اما با توقف اجرای آن، فرصت پیش‌بینی‌شده از میان رفت. در چنین شرایطی، احیای مذاکره فقط به ایجاد کانال ارتباطی تازه نیاز ندارد، بلکه باید به پرسش اعتماد و اجرای تعهدات نیز پاسخ دهد. تأکید مقام‌های پاکستانی بر ضرورت اعتمادسازی و تلاش صادقانه، از همین منظر قابل فهم است. بدون نشانه‌های عملی از پایبندی به تعهدات، حتی فعال‌ماندن چند کانال دیپلماتیک نیز ممکن است به تداوم تماس‌ها بدون پیشرفت اساسی محدود بماند.

هم‌زمان، مواضع اعلام‌شده ایران و روسیه درباره امنیت منطقه‌ای، بر اهمیت راه‌حل‌های سیاسی و همکاری کشورهای منطقه دلالت دارد. تهران بر این باور است مسائل منطقه‌ای باید بدون اتکا به راه‌حل نظامی و با مشارکت کشورهای منطقه پیگیری شوند. مسکو نیز در دیدارهای خود با مقام‌های ایرانی بر همکاری چندجانبه و تقویت ثبات تأکید کرده است. این اشتراک موضع می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگوهای بیشتر درباره امنیت منطقه باشد، اما نباید آن را با وجود توافق کامل بر سر همه پرونده‌ها یا شکل‌گیری یک ائتلاف عملیاتی یکسان دانست. در نهایت، اهمیت تحرکات دیپلماتیک این روزها را باید در تداوم تلاش‌ها برای جلوگیری از بازگشت به جنگ سنجید. سفر عاصم منیر نشان می‌دهد پاکستان همچنان می‌خواهد نقش خود را در کاهش اختلاف تهران و واشینگتن حفظ کند. فعالیت قطر نیز از ادامه مسیر انتقال پیام حکایت دارد. سفر لاوروف هم بر استمرار رایزنی‌های راهبردی ایران و روسیه و تأکید دو طرف بر دیپلماسی صحه می‌گذارد. از کنار هم قرارگرفتن این تحولات می‌توان احتمال شکل‌گیری فضای مساعدتر برای تلاش‌های دیپلماتیک را بررسی کرد، اما هنوز نمی‌توان از توافقی نزدیک یا هماهنگی اثبات‌شده میان میانجی‌ها سخن گفت. در روز چهارشنبه ۲۹ مهر، چشم‌انداز دیپلماسی همچنان میان دو واقعیت قرار دارد. از یک سو، تماس‌ها و رفت‌وآمدهای سیاسی ادامه دارد و بازیگران منطقه‌ای از ضرورت مهار تنش سخن می‌گویند. از سوی دیگر، اختلاف بر سر مطالبات ایران، پاسخ آمریکا و سرنوشت تعهدات پیشین همچنان پابرجاست. اگر تحرکات جاری قرار است به گشایشی واقعی منجر شود، باید از سطح پیام‌رسانی فراتر برود و به پاسخ روشن به شروط اعلام‌شده، احیای اعتماد و تضمین اجرای تعهدات برسد. تا آن زمان، می‌توان از فعال‌ماندن چند مسیر دیپلماتیک سخن گفت، اما نه از پایان بن‌بست.